

ما می‌گوییم:

۱. درباره فتاوی فقها درباره این موضوع باید توجه کرد که در کلمات فقها از این مسئله گاه با عنوان «حرمت مدح من يستحق الذم» یاد شده است و گاه با عنوان «حرمت مدح من لا يستحق المدح» و روشن است که بین این دو تفاوت بسیار است. (و ظاهراً بین این دو عنوان عموم و خصوص مطلق است چرا که هر کسی که مستحق ذم است، مستحق مدح نیست. ولی برخی از «غیر مستحق المدح»ها، مستحق ذم نیستند)

۲. برخلاف آنچه مرحوم شیخ به علامه نسبت داده است و می‌نویسد علامه قائل به حرمت «مدح من لا يستحق المدح» است، مرحوم علامه از این عنوان استفاده نکرد و تنها عنوان «مدح من يستحق الذم» در نوشته‌های ایشان موجود است.

اللهم الا ان يقال، عبارت مرحوم شیخ تنها قسمت «يستحق الذم» را به علامه نسبت داده است.

۳. عبارات فقها را بررسی می‌کنیم:

الف) مرحوم علامه در قواعد در زمره محرمات از «مدح من يستحق الذم و بالعکس» یاد می‌کند.^۱ ظاهر «بالعکس» آن است که «ذم من يستحق المدح» هم حرام دانسته است.

ب) این مطلب را علامه در تذکره هم عیناً عبارت «مدح من يستحق الذم و بالعکس» را مطرح کرده است.^۲ و می‌نویسد «بلاخلاف فی ذلک کله»

ج) ایشان در منتهی المطلب «بالعکس» را به صراحت توضیح می‌دهد و از زمره محرمات «مدح من يستحق الذم و ذم من يستحق المدح» را برمی‌شمارد.^۳ و در این کتاب هم از تعبیر «بلاخلاف» استفاده می‌کند.

د) علامه همچنین چنین در نهایت الاحکام، همین عبارت را بدون اینکه بالعکس را توضیح دهد، مطرح می‌کند.^۴



۱. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۸

۲. تذکره الفقها، ج ۱۲، ص ۱۴۴

۳. منتهی المطلب، ج ۱۵، ص ۳۸۲

۴. نهایت الاحکام، ج ۲، ص ۴۷۱



ه) علامه در تحریر هم به همین نحو مشی کرده و این عنوان را ذیل مباحث غیبت طرح کرده است.^۱ (با عنوان بالعکس)

توجه شود که علامه در همه کتاب هایش این بحث را به نوعی ذیل بحث غیبت طرح کرده است. و همراه با «هجاء المومنین»، «کذب علیهم»، «نمیمه»، «سب المومنین»، «سعی فی القبیح» و «تشبیب نساء المومنین» آورده است.

البته در کتاب تحریر و منتهی علاوه بر حرمت «مدح من يستحق الذم و بالعکس»، «امر به آن» و «اخذ اجرت بر آن» را هم تحریم کرده است.

و) شهید اول در دروس «الذم لغير اهله و المدح فی غیر موضعه» را از زمره محرمات بر می شمارد.

ز) ابن ادریس هم به همین صورت «مدح من يستحق الذم و ذم من يستحق المدح» را حرام دانسته است.^۲

ح) مرحوم محقق کرکی بر این عبارت که به صورت مطلق در کلمات شهید و علامه مطرح شده بود،

قیدی را اضافه می کند و می فرماید «من الوجه الذی يستحق به الذم»^۳

ایشان در توضیح این قید می نویسد:

«المراد: من يستحق الذم من الوجه الذی يستحق به الذم، وكذا [و التشبیب بالمرأة المعروفة

المؤمنة، وتعلم السحر وتعليمه.] عكسه، أما إعطاء الشخص الواحد حقه من المدح والذم

باعتبار مقتضاهما فإنه يحسن»^۴

البته سپس از این مطلب استدراک می کند:

«ولا یبعد أن یقال بتحریم مدح من يستحق الذم وإن لم یکن من الوجه الذی يستحق به الذم

إذا فهم السامع منه كونه ممدوحا، لما فیہ من إیهام الباطل»^۵

۱. تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية، ج ۲، ص ۲۶۰

۲. موسوعه ابن ادریس حلی، ج ۱۰، ص ۳۰۶

۳. جامع المقاصد، ج ۴، ص ۲۸

۴. همان

۵. همان

مرحوم محقق کرکی سپس دلیل اینکه «مدح من يستحق الذم من وجه الذى يستحق الذم» را حرام معرفی کرده است، در حالی که این کار نوعی کذب است و می توانست تحت عنوان کلی کذب قرار گیرد، را چنین معرفی می کند:

«و إنما ذكر هذا بخصوصه وإن كان نوعا من الكذب، لأنه أغلظ من غيره»^۱



دین خارج فقه ائمه اربعه حنفی